

[View the original article](#)

فراتر از خبر

انتشار مجموعه اشعار فروغ فرخزاد به زبان فرانسوی؛ گفت‌وگو با لیلی انور، مترجم

راديو فردا

۱۴۰۵/مهر/۰۸



فروغ فرخزاد همراه با برادرش، مهرداد

نزدیک به شصت سال پس از مرگ فروغ فرخزاد، این شاعر ایرانی همچنان یکی از مطرح‌ترین و در عین حال مدرن‌ترین چهره‌های شعر فارسی است؛ شاعری که محدود به زمانه خود نمانده و همچنان در میان نسل‌های مختلف فارسی‌زبانان، چه در داخل ایران و چه در سراسر جهان، مخاطب دارد.

به تازگی مجموعه کامل اشعار فروغ فرخزاد به زبان فرانسوی ترجمه و در مجموعه ویژه شعر انتشارات معتبر گالیمار در پاریس منتشر شده است.

انتشار ترجمه فرانسوی مجموعه کامل اشعار او در مجموعه شعر انتشارات گالیمار، بار دیگر این پرسش را پیش کشیده که راز ماندگاری شعر فروغ چیست و او چگونه حتی از مرزهای جغرافیایی و زبانی عبور

می‌کند.

لیلی انور، مترجم این کتاب، که پژوهشگر و استاد ادبیات فارسی در پاریس است، در گفت‌وگو با رادیو فردا درباره ویژگی اشعار فروغ فرخزاد، رابطه میان زندگی شخصی و شعرهای این شاعر، و همچنین چالش‌های ترجمه شعر او توضیح می‌دهد.

چرا تنها «صدای شاعر» می‌ماند؟

لیلی انور، که پیشتر آثار دیگری از ادبیات فارسی را به فرانسه ترجمه کرده، در مقدمه‌ای که بر کتاب ترجمه اشعار فروغ نوشته بیش از هر چیز بر «صدا»ی متفاوت این شاعر تاکید کرده است؛ صدایی منحصر به فرد، اصیل و در عین حال جهان‌شمول که حتی پس از مرگ شاعر نیز شنیده می‌شود.



لیلی انور، مترجم مجموعه کامل اشعار فروغ فرخزاد به زبان فرانسوی

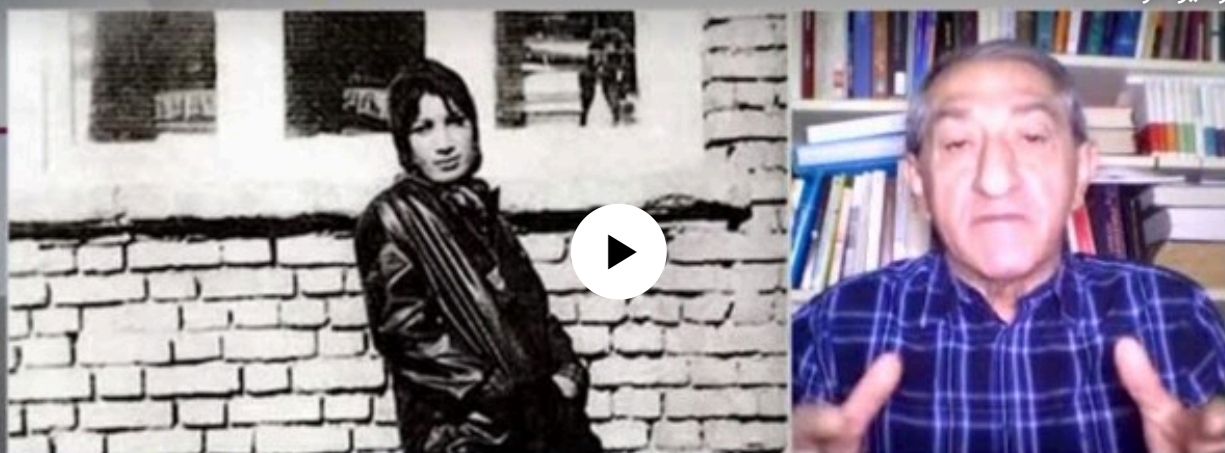
اما چرا صدای این شاعر، در میان شاعران مدرن ایران، چنین قدرتی دارد؟

خانم انور با اشاره به یکی از اشعار بسیار معروف خود فروغ، «تنها صداست که می‌ماند»، به رادیو فردا می‌گوید: «فکر می‌کنم که منظور شاعر این است که هر شاعری صدای خودش را دارد؛ صدایی که می‌توان آن را از موسیقی و لحن خاص شعرش شناخت. و این صدا، وقتی که شاعر واقعاً شاعر نوآور و شاعر واقعی است، صدایی است که کاملاً منحصر به فرد است».

او می‌افزاید که بعضی از شاعران آن «قدرت منحصر به فرد بودن» را ندارند و شاید می‌شود گفت که «نیمچه شاعر»ند و شاعر واقعی نیستند، زیرا شاعر واقعی شاعری است که صدایی دارد که می‌شود آن صدا را شناخت و با آن صدا رابطه برقرار کرد.

خانم انور همچنین در مقدمه کتاب نوشته است: «زنانی – جوان یا مسن – که در خیابان‌های ایران، با سرپیچی از الزام حجاب، رفت‌وآمد می‌کنند، و مردانی که همراه آنان شعار "زن، زندگی، آزادی!" سر می‌دهند، به یاد دارند که چندین دهه پیش از آنان، فروغ با صدای بلند حق خود را برای آزادی فریاد زده بود: آزادی حرکت کردن، خود را به نمایش گذاشتن، عشق ورزیدن، میل داشتن و، بیش از همه، بیش از همه، به گوش رساندن صدای خود؛ سخن گفتن به عنوان یک شاعر، با نام واقعی خود، بی‌حجاب و بدون شرم و حجاب ساختگی».

او می‌افزاید: «اگر صدای فروغ باقی مانده است، به این دلیل است که همه این‌ها را در شعرهایی که منتشر کرد بیان کرده است. حتی برخی از آن‌ها را ضبط کرده است، به گونه‌ای که می‌توان هنوز صدای او را شنید و موسیقی کلامش را بهتر درک کرد... و در ریتم بیانش، غم بی‌پایان و تنهایی این انسان زخم‌خورده را تشخیص داد».



فروغ چگونه به زنان شاعر شجاعت بخشید؟

لیلی انور معتقد است که صدای فروغ در اشعارش «صدای شاعرانه یک زن» است.

او در توضیح این نظر تاکید می‌کند که منظورش این نیست که صدای فروغ صدای کلی یک انسان نیست، بلکه او از دیدگاه یک زن حرف می‌زند و شعر می‌گوید و این در زمان خود بسیار نوآورانه بود.

این مترجم می‌گوید: «بعد از فروغ، زن‌ها به خودشان این اجازه را دادند که به عنوان شاعر بگویند "من". و این کار را واقعاً فروغ برای زنان انجام داد».

به عقیده خانم انور، فروغ به شعر فارسی اجازه داد که از دیدگاه و احساسات یک زن سخن بگوید، بی‌آنکه این امر از جهان‌شمولی شعرش بکاهد. همچنین به گفته این پژوهشگر، اهمیت بزرگ‌تر او این بود که پس از فروغ، شاعران زن فارسی‌زبان، از ایران و افغانستان تا تاجیکستان، دریافتند که می‌توانند با صدای زنانه و با گفتن «من» شعر بسرایند و تجربه زنانه خود را بیان کنند.

موسیقی شعر فروغ چیست؟

در زمینه ترجمه شعر، تنها ترجمه واژه‌ها و معنای جمله‌ها مطرح نیست. بلکه مسئله اصلی، انتقال صدا، موسیقی، ریتم و لحن شاعر است؛ عناصری که در شعر فروغ اهمیت ویژه‌ای دارند.

در واقع، یکی از مهم‌ترین نکات درباره شعر فروغ فرخزاد این است که مدرنیته موجود در شعر او فقط در محتوای شعرهایش نیست، بلکه در زبان شعر او نیز به چشم می‌خورد. فروغ در فاصله‌ای کوتاه، تحول مهمی در شعر او ایجاد کرد و به ویژه در کتاب «تولد دیگر» زبان خود را بسیار پرورش داد.

اما موسیقی شعر فروغ فرخزاد چه رابطه‌ای با موسیقی طبیعی زبان فارسی دارد؟ لیلی انور به رادیو فردا می‌گوید: «موسیقی شعر فروغ فرخزاد بسیار مخصوص به خودش است و، در عین حال، به نظر من این موسیقی در آثار او بسیار وفادار به موسیقی زبان محاوره‌ای و طبیعی فارسی است».

او می‌افزاید: «یعنی رابطه‌ای بسیار عمیق میان قدرت موسیقایی و شاعرانه زبان فارسی و شعر فروغ فرخزاد وجود دارد. فکر می‌کنم خود فروغ فرخزاد هم بارها به این موضوع اشاره می‌کند و در بعضی از

گفت‌وگو‌هایی که با او شده، واقعا بر این نکته تأکید می‌کند که سعی دارد شعری که می‌گوید، تا آنجا که ممکن است، به موسیقی زبان فارسی وفادار باشد».

به عقیده این مترجم، این موضوع باعث می‌شود که ترجمه شعر فروغ فرخزاد کار دشواری باشد، اما شدنی است: «برای این‌که مترجم باید، مثلا وقتی شعر را به زبان فرانسه ترجمه می‌کند – کاری که من انجام داده‌ام – سعی کند تا آنجا که می‌تواند به نبوغ موسیقایی طبیعی زبان فرانسه نزدیک شود. یعنی نوعی سادگی پیدا کند که در عین حال، وفادار به موسیقی شاعرانه زبان فرانسه و موسیقی زبان مدرن فرانسه باشد».

انور برای این کار، مجبور شد شعر بسیاری از شاعران معاصر فرانسوی را بخواند و این موضوع بسیار به ترجمه اشعار فروغ کمک کرد.

بیشتر در این باره:

«فروغ فرخزاد؛ زندگی نامه ادبی»؛ فروغ، گلستان و ناگفته‌های یک عشق



تصاویر شعر فروغ چگونه ترجمه می‌شوند؟

به غیر از موسیقی شعر فروغ، چگونه می‌توان تصویرهای شعر او را به زبان دیگری، به‌ویژه فرانسه، منتقل کرد؟ خانم انور که پیشتر سابقه ترجمه شعر کلاسیک فارسی به زبان فرانسه را داشته تأکید می‌کند که ترجمه شعر فروغ فرخزاد نسبت به شعر کلاسیک فارسی آسان‌تر است.

او در توضیح این نظر خود می‌گوید: «در کنار قدرت و موسیقی بسیار محسوس شعر فروغ، تصویرسازی در شعر او نیز بسیار جالب و قدرتمند است و این بخش را واقعاً می‌توان به زبان دیگری ترجمه کرد، زیرا تصویرهای فروغ، تصویرهایی معاصر و مربوط به زندگی مدرن‌اند».

انور ادامه می‌دهد: «بنابراین، دشواری‌ای که در ترجمه شعر کلاسیک داریم، در مورد فروغ تا حد زیادی وجود ندارد؛ چون شعر کلاسیک حتی برای فارسی‌زبانان امروز هم تا حدی از فضای زندگی معاصر فاصله گرفته و جهان آن برای یک فرانسوی‌زبان نیز بسیار غریب است. در حالی که فضای اجتماعی، تاریخی و حتی ادبی‌ای که فروغ در آن شعرهایش را سروده، به زمان ما و به فرهنگ اروپایی نزدیک‌تر است. به همین دلیل، تصویرسازی‌های بسیار زیبای فروغ را می‌توان در ترجمه، به هر زبانی، بازآفرینی کرد و به نظر من نتیجه می‌تواند بسیار زیبا باشد».

زندگی شخصی فروغ چه ارتباطی با شعرش دارد؟

در جامعه‌ای که سخن گفتن صریح یک زن درباره تجربه‌های شخصی و عاطفی‌اش امری عادی نبود، فروغ تصمیم گرفت خود را پشت زبان استعاری و پوشیده‌ای که سنت شعری می‌توانست در اختیار او بگذارد، پنهان نکند.

با این حال خانم انور می‌گوید خود فروغ می‌دانست که شعر حاصل تجربیات عمیق احساسی و فکری یک انسان است و به همین دلیل شناخت زندگی فروغ برای فهم جهان او مهم است، اما شاید مهم‌تر این باشد که شعرهایش خوانده شود تا «زندگی درونی شاعر» شناخته شود.

این استاد دانشگاه معتقد است زندگی پرماجرایی فروغ و آزادمنشی او، به‌ویژه به‌عنوان یک زن، باعث قضاوت‌های بسیار متفاوتی درباره او شده است؛ قضاوت‌هایی که گاهی مانع دسترسی درست به شعرش می‌شوند. بعضی‌ها به جای خواندن شعر، در پی این هستند که بدانند مخاطب یا معشوق هر شعر چه کسی بوده و جزئیات زندگی شخصی فروغ را در شعرهایش جست‌وجو می‌کنند.

انور تاکید می‌کند وقتی فروغ از آوردن زندگی در شعر سخن می‌گوید، منظورش جزئیات بی‌اهمیت زندگی نیست، بلکه دنیای درونی خودش است: «دنیای درونیش را قایم نکرد و با شعر یک نوع پرده‌داری کرد، یعنی این حجاب‌ها را برداشت روی زندگی درونیش و احساسات عمیقش و فکرش راجع به دنیا و اینکه آزادی چیست؟ عشق چیست؟ غصه چیست؟ مرگ چیست؟ طغیان چیست؟»

مرگ زود هنگام فروغ فرخزاد به چهره او جنبه افسانه‌ای بخشید اما شش دهه پس از درگذشتش، آن چه اکنون از او مانده، نه فقط تصویر زنی جوان و سرکش، نه فقط داستان عشق‌ها و جدایی‌ها و نه فقط خاطرات یک زندگی کوتاه، بلکه ارزش‌های موجود در اشعار اوست که موجب می‌شود خواندن آنها پس از دهه‌ها همچنان تجربه‌ای تازه و معاصر باشد.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

فرهنگ و هنر ایران

بایگانی